

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه: فلسفه

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: فلسفه و حکمت اسلامی

عنوان:

تأثیر رساله الطیر ابن سینا بر سه رساله سهروردی (عقل سرخ، آواز پر جبرئیل و

صغیر سیمرغ)

استاد راهنما:

دکتر انشاءالله رحمتی

استاد مشاور:

دکتر مهدی نجفی افرا

پژوهشگر:

فاطمه سنقر کلایه

زمستان ۱۳۹۰

تقدیم به:

بهترین و زیباترین وجودهای زندگی ام،

همراهان صبور و مهربانم و

انگیزه های هستی ام؛

پدر و مادر عزیزم

سپاس خدای عزوجل را به خاطر تمام توفیقات و تقییدارم نهاد از جمله فرصت نیکویی

تحصیل

و تشکر فراوان از استاد کراتقدر جناب دکتر انشاء اللہ رحمتی که به عنوان استاد راهنما از بیچ

کلمی دریغ نمودند و نیز جناب دکتر مهدی بخشی افرا که زحمات استاد مشاور را به عمد

داشتند. هم چنین از سرکار خانم دکتر مریم تقفنی که در این راستا بسیار مراحمک نمودند و

جناب دکتر عزیز الله افشار کرمانی مدیر گروه محترم فلسفه بسیار سپاسگزار، مسم.

از پدر و مادرم به خاطر صبر، حمایت تمام جانبه و تمامی زحماتشان با تمام وجود مشکرم و دستان

پر مهرشان رامی بوسم.

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب فاطمه سنقر کلایه دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد نا پیوسته به شماره دانشجویی ۸۷۰۸۴۹۱۷۹۰۰ در رشته فلسفه و حکمت اسلامی که در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۳۰ از پایان نامه خود تحت عنوان: تأثیر رساله الطیر ابن سینا بر سه رساله سهروردی (عقل سرخ، آواز پرجبرئیل و صغیر سیمرغ) با کسب نمره ۱۸ و درجه عالی دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: فاطمه سنقر کلایه

تاریخ و امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ:

دانشجوی کارشناسی ارشد خانم فاطمه سنقرکلایه از پایان نامه خود دفاع نموده

و با نمره بحروف و با درجه

مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

فهرست مطالب:

| | |
|-----|--|
| ۱ | فصل اول کلیات |
| ۱-۱ | بیان مسئله تحقیق: |
| ۲ | |
| ۲-۱ | اهمیت موضوع تحقیق: |
| ۳ | |
| ۳-۱ | سابقه تاریخی موضوع: |
| ۳ | |
| ۴-۱ | هدفهای تحقیق: |
| ۵ | |
| ۵-۱ | سئوالات و فرضیه های تحقیق: |
| ۵ | |
| ۶-۱ | چارچوب نظری تحقیق: |
| ۶ | |
| ۷-۱ | مدل تحقیق: |
| ۶ | |
| ۸-۱ | روش تحقیق: |
| ۶ | |
| ۹-۱ | متغیرها و واژه های کلیدی: |
| ۷ | |
| ۸ | فصل دوم حکمت مشرقی ابن سینا و حکمت اشراقی سهروردی: |
| ۹ | ۱-۲ حکمت مشرقی ابن سینا: |
| ۹ | |
| ۱۷ | ۲-۲ حکمت اشراقی سهروردی: |
| ۱۷ | |
| ۳۰ | ۳-۲ آراء مخالف حکمت مشرقی ابن سینا: |
| ۳۰ | |
| ۳۴ | ۴-۲ آراء موافق حکمت مشرقی ابن سینا: |
| ۳۴ | |
| ۳۷ | ۵-۲ نقدهای شیخ اشراق به ابن سینا: |
| ۳۷ | |
| ۳۷ | ۱-۵-۲ علم: |
| ۳۷ | |
| ۴۲ | ۲-۵-۲ عقول: |
| ۴۲ | |
| ۴۶ | ۳-۵-۲ مثل افلاطونی: |
| ۴۶ | |
| ۵۵ | ۶-۲ زبان تمثیل: |
| ۵۵ | |
| ۵۷ | ۱-۶-۲ رمز، سمبل: |
| ۵۷ | |

| | |
|-----|--|
| ۶۰ |: مثل، تمثيل : ۲-۶-۲ |
| ۶۲ |: تجارب روحانی و عالم مثال از نظر سهروردی : ۳-۶-۲ |
| ۷۰ |: فصل سوم نگاهی به رساله الطیر ابن سینا : ۷۰ |
| ۷۰ |: ۱-۳ : مقدمه : ۷۰ |
| ۷۱ |: ۲-۳ : آشنایی با رموز : ۷۱ |
| ۷۲ |: ۳-۳ : حدود و قدم : ۷۲ |
| ۷۹ |: ۴-۳ : بررسی اجمالی رساله الطیر : ۷۹ |
| ۸۰ |: ۵-۳ : شرح تمثيل جانوران : ۸۰ |
| ۸۵ |: ۶-۳ : تبیین موضوعات رساله : ۸۵ |
| ۸۸ |: ۷-۳ : قضا و قدر : ۸۸ |
| ۹۰ |: ۸-۳ : بیداری نفس : ۹۰ |
| ۱۰۳ |: ۹-۳ : قصیده عینیه : ۱۰۳ |
| ۱۰۸ |: فصل چهارم رساله های رمزی سهروردی : ۱۰۸ |
| ۱۰۹ |: ۱-۴ : مقدمه : ۱۰۹ |
| ۱۱۱ |: ۲-۴ : آواز پر جبرئیل : ۱۱۱ |
| ۱۱۹ |: ۳-۴ : عقل سرخ : ۱۱۹ |
| ۱۲۸ |: ۴-۴ : صفر سیمرغ : ۱۲۸ |
| ۱۳۵ |: فصل پنجم نتیجه گیری و ابعاد تأثیر گذاری رساله الطیر ابن سینا بر رسائل سهروردی : ۱۳۵ |
| ۱۳۶ |: ۱-۵ : شیوه کار، جمع بندی و نتیجه گیری : ۱۳۶ |
| ۱۴۷ |: ۲-۵ : خصوصیات و آفاق پیش روی رسائل مذکور : ۱۴۷ |
| ۱۴۸ |: نمونه هایی از نسخ خطی : ۱۴۸ |
| ۱۵۵ |: منابع مورد استفاده : ۱۵۵ |

چکیده

فصل اول

کلیات

۱-۱ : بیان مسئله تحقیق:

نسبت میان حکمت مشاء و حکمت اشراق یکی از بحث های اصلی فلسفه اسلامی است. بااین که فلاسفه، تأثیر بسزایی در تفکرات یکدیگر داشته و دارند اما باید دید که اساساً چیزی به نام حکمت اشراقی که ابتدا در سهروردی مطرح شده و سپس در ملاصدرا و فیلسوفان بعدی به شکل دیگری ادامه یافته است، ریشه ای در تفکرات پیش از سهروردی دارد یا نه؟ خود سهروردی معتقد است که حکمت او ریشه در ایران باستان دارد ولی منابع حکمت ایران باستان امروز در دست نیست. اما با نگاهی واقع انگارانه می توان تلفیق آراء افلاطون، زرتشت و ادیان ابراهیمی خصوصاً اسلام، را در تفکرات غنی سهروردی مشاهده نمود. به عنوان مثال و به گفته خود سهروردی، علم الانواری را که او ذکر کرده همان ذوق و تجربه عرفانی امام حکمت که ریاست آن را افلاطون به عهده داشت و حکمای پیش از افلاطون نیز که بر این طریق بودند مانند انبازقلس، فیثاغورث و غیره که از زمان «هرمس» - پدر حکما- تا افلاطون واقع شده اند، و یا مانند قاعده شرق درنور و ظلمت که راه حکمای ایران باستان است، افرادی مانند جاماسب، بوذرحمهر و افرادی پیش از وی.

به نظر می رسد که ریشه حکمت اشراقی سهروردی را قبل از این که در ایران باستان جستجو کنیم باید در ابن سینا بجوئیم و در این صورت، کل فهم ما از فلسفه اسلامی متفاوت خواهد شد. معروف است که ابن سینا نوشته های مبسوطی درباره موضوع حکمت مشرقی داشته است که امروزه فقط بخشهای اندکی از آن ها موجود است و این از مسائلی است که مخالفان و موافقان بسیاری داشته و دارد. یکی از موافقان، هانری کربن است که اعتقاد دارد از طریق تأویل متون رمزی آثار شیخ الرئیس

می‌توان به وجود این حکمت پی برد. ولی باید بررسی کرد که آیا از فلسفه ابن‌سینا به طور کلی چیزی شبیه به حکمت اشراقی سهروردی می‌توان به دست آورد؟ و سپس بررسی کرد که آیا سهروردی از این حکمت متأثر بوده است یا نه؟!

۲-۱ : اهمیت موضوع تحقیق:

در میان عامه علاقه‌مندان فلسفه شایع است که فلسفه ابن‌سینا را یک مشرب عقلی محض می‌دانند و بر عکس آن، حکمت اشراق را یک حکمت غالباً ذوقی، و این نگاه موجب آن گشته است تا در بررسی آثار حکمت مشاء، شهود، و در بررسی آثار حکمت اشراقی، جنبه عقلانیت کمتر مورد توجه قرار بگیرد، حال آنکه دقت در آثار هر دو مکتب نشانه‌های بسیاری از آمیختگی عقل و شهود دارد؛ به گونه‌ای که وقتی به رسائل رمزی سهروردی بر می‌خوریم متوجه می‌شویم که داستان صرف نبوده و بالعکس مبتنی بر نکات دقیق و مهم فلسفی است. به هر صورت بررسی این آمیختگی و اثبات این ارتباط کمک قابل توجهی به فهم هر چه بهتر این دو مکتب نموده و بسیاری از شبهات و نقاط مبهم را تبیین و روشن می‌سازد.

درپرتو همین موضوع است که مسئله‌ای مانند حکمت مشرقی ابن‌سینا مشخص می‌گردد، زیرا اثر مهم وی در موضوع حکمت مشرقی - به نام کتاب الانصاف که مبین فلسفه خاص او بوده - به جز بخش‌هایی از آن در حمله مغول از بین رفته است. و بر اساس بقایای این اثر باید دید که آیا می‌توان تفسیر منسجمی از این مباحث ابن‌سینا پیدا کرد؟ هم چنین نسبت میان آثار رمزی این دو فیلسوف بزرگ و تأثیر رسائل تمثیلی ابن‌سینا بر این نوع رساله‌های سهروردی را می‌توان دریافت.

۳-۱ : سابقه تاریخی موضوع:

اهمیت والای آثار ابن‌سینا و سهروردی موجب گردیده که از زمان حیات این دو فیلسوف به بعد ترجمه و شرح‌هایی بر تألیفاتشان نگاشته شود. در زمان حیاتشان این مطالب توسط شاگردان به رشته تحریر در می‌آمد و در حال حاضر نیز محققین به شرح و بسط آثار وی می‌پردازند. از شاگردان ابن

سینا می توان به ابن زبیله و جوزجانی اشاره کرد. جوزجانی همان مریدی است که در هنگام وزارت ابن سینا از او درخواست کرد تا شرحی بر آثار ارسطو بنویسد و او یادداشت می نمود.

«اولین ترجمه رساله الطیر را به احمد بن محمد بن قاسم بن احمد بن خدیو اخیسکتی (۴۶۶-۵۲۸) نسبت داده اند» (ابن سینا، ۱۳۷۰، پیشگفتار مترجم، ص ۳)، شهاب الدین سهروردی نیز این رساله را ترجمه کرده که البته به نظر می آید در بعضی قسمت ها، عباراتی را افزوده است. در شرح رساله الطیر ابن سینا می توان به شرح های قاضی زین الدین عمر بن سهلان ساوجی (سده ششم)، شارح گمنام و «آقا سید محمدباقر سبزواری» (همان منبع) اشاره نمود. این رساله بسیار مؤثر در تألیف اثری با همین نام از امام محمد غزالی بوده است. عطار نیشابوری نیز آن را به شعر در آورد و نامش را «منطق الطیر» نهاد، همان طور که عبدالرحمان جامی در هفت اورنگ، رساله سلامان و ابدال را به نظم در آورد: رساله حی بن یقظان نیز توسط ابومنصور بن زبیله و جوزجانی شرح داده شد. هم چنین، ابن طفیل رساله ای به نام «حی بن یقظان» دارد که آن را برای آشنا کردن یکی از دوستانش و به درخواست وی با فلسفه مشرق زمین نگاشته بود، نام اصلی کتاب نیز این گونه است: «رساله حی بن یقظان فی اسرار الحکمه المشرقیه، استخلصها من درر جواهر الفاظ رئیس ابی علی بن سینا» و گفته شده که ابن باجه در تألیف این رساله تأثیر بسزایی داشته است.» (فاخوری و جر، ۱۳۸۶، صص ۶۱۴ و ۶۱۵). هانری کربن - به عنوان برجسته ترین فرد که تألیفات پر باری در زمینه آثار سهروردی داشته و در نوع خود بی نظیر است - نیز، صاحب اثری با عنوان «ابن سینا و تمثیل عرفانی» است که مقدمه مفصل جناب دکتر انشاء... رحمتی بر غنای هر چه بیشتر آن افزوده است.

و اما سهروردی همچون ابن سینا شاگردان باوفایی نداشت تا به شرح و بسط آثار وی پردازند یا او را ترغیب به تألیف آثار دیگری نمایند ولی این نکته نیز قابل توجه است که زندگی او مانند ابن سینا پر از مشغله های سیاسی و جنگ و غارت و التهاب نبود، لیکن در مدت عمر کوتاه خود، طریقی جدید در حکمت را باز کرد و مجموعه ای از آثار فلسفی، منطقی و رمزی را از خود به یادگار گذاشت که موجب پیشرفت این علوم گردید. چنان که پیش تر ذکر شد، هانری کربن در مورد آثار وی، دارای تحقیقات و تألیفات بسیاری است علاوه بر این و از میان کتبی که اخیراً به چاپ رسیده می توان به «رمز و داستان های رمزی در ادب فارسی» و «عقل سرخ» از دکتر تقی پور نامداریان - که

در این دو تألیف بیشتر به شرح رساله های رمزی هر دو فیلسوف بزرگ یعنی شیخ الرئیس بوعلی سینا و شیخ اشراق پرداخته است- و «دو بال خرد» شکوفه تقی اشاره نمود.

۱-۴: هدف های تحقیق:

- ۱- تعیین وجود یا عدم وجود حکمت مشرقی ابن سینا
- ۲- تعیین محورهای اصلی عقلانیت در فلسفه اشراق
- ۳- تعیین محورهای اصلی شهود در فلسفه مشاء
- ۴- بررسی تأثیر حکمت مشاء بر حکمت اشراق

۱-۵: سئوالات و فرضیه های تحقیق:

سؤال: آیا ابن سینا چیزی به نام حکمت مشرقی داشته است؟

فرضیه: با از بین رفتن کتاب الانصاف که حاوی فلسفه خاص ابن سینا بوده است به سختی می توان دریافت که آیا چنین چیزی وجود داشته یا نه، به نظر می آید نسبت دادن چنین حکمتی به وی از طریق تأویل هم کاری است بس مشکل که ارائه نتیجه قطعی آن شاید موجب خدشه دار شدن مقام فلسفی ابن سینا گردد زیرا چند رساله تمثیلی و نمط های آخر اشارات، را نمی توان به عنوان شاهدانی بر این مدعا گرفت، چرا که اگر شخصی چون ابن سینا در فلسفه و حکمت دارای چنان مقام شامخی باشد، هم چنان که در طب نیز هست، می تواند با شهود عقلی به چنین محتوایی به نام حکمت مشرقی دست یابد. علاوه بر این، آن چه از مقدمه منطق المشرقیین بر می آید، فقط حاکی از این مطلب است که او قصد داشته فلسفه ای موافق طبع خویش ارائه دهد نه چیزی که مورد تأیید مشائیان باشد که بدون تفکر و تأمل کافی و وافی، تنها به نقل مطالب افراد پیش از خود می پرداختند، پس این، مطلبی نیست که بتوان آن را در تأیید وجود حکمت مشرقی ابن سینا به کار برد زیرا همان طور که گفته شد، شیخ الرئیس بوعلی سینا با داشتن مقام عظیم فلسفی نمی تواند بدون فکر و بررسی و با پذیرش همه جانبه، صرفاً به بیان اقوال دیگران پردازد.

سؤال: چه نسبتی بین آثار رمزی ابن سینا و سهروردی وجود دارد؟

فرضیه: با آن که ابن سینا دارای حکمت مشرقی نیست اما نمی‌توان محتوا و غنای عرفانی آثار رمزی وی را نادیده گرفت به طوری که سهروردی با در دست داشتن این نوع تألیفات و سپس تأثیر پذیری از حکمت خسروانیان به تدوین آثار خویش پرداخت. ولیکن رسائل رمزی شیخ اشراق در واقع ادامه راه ابن سینا در نگارش رسائل تمثیلی بوده است، به طوری که سهروردی اذعان می‌کند قصه غربت غربی را از جایی شروع کرده که ابن سینا، حی بن یقظان را به پایان رسانیده است، اما از آنجا که ابن سینا در تحریر آثار خویش از کشف و شهود استفاده نکرده بنابراین سهروردی، خلأ وجود آن را (به نظر شیخ اشراق کشف و شهود از مبانی حکمت اشراق است) احساس نموده و به همین علت بر ابن سینا خرده می‌گیرد.

۱-۶: چهار چوب نظری تحقیق:

تحقیق در مقطعی از تاریخ فلسفه اسلامی است که حدوداً از قرن چهارم تا ششم را شامل می‌شود و در این تحقیق متون اصلی ابن سینا و سهروردی - و به طور خاص رسائل رمزی ایشان - و ترجمه و شرح هایی که بر آن ها نوشته شده است - به خصوص در مورد آثار ابن سینا - مورد بحث قرار گرفته و مطالب به روش عقلی و فلسفی تجزیه و تحلیل می‌شود.

۱-۷: مدل تحقیق

نظری

۱-۸: روش تحقیق:

در مورد هر دو فیلسوف - ابن سینا و سهروردی - از روش کتابخانه ای و رجوع به کتب مختلف و نیز نرم افزار کتابخانه حکمت اسلامی استفاده گردید. سپس مطالب مورد نیاز از طریق فیش برداری گردآوری شده و بعد نکات مشترک هر دو دسته رسائل تمثیلی بیان و در نهایت، جمع بندی و دستیابی به یک دیدگاه مشخص در پاسخ به سئوالات مطرح شده، انجام گرفته است.

۹-۱: متغیرها و واژه های کلیدی:

حکمت مشرقی، حکمت اشراقی، حدوث و هیبوط نفس، قضاء و قدر.

فصل دوم

حکمت مشرقی ابن سینا

و

حکمت اشراقی سهروردی

۲ - ۱ : حکمت مشرقی ابن سینا :

با پیش آمدن بحث «حکمت مشرقی» ابن سینا زمزمه های مخالفت با این حکمت طنین انداز می شود، گویی که ابن سینا را تنها یک فیلسوف عقل گرای محض و یک پزشک نامدار می دانند که فاصله ای بسیار با مباحث عرفانی و تصوف دارد. آن چه در مورد وی به حق می توان گفت این است که با برخی از تألیفات خویش جنبه ای دیگر از تفکرات خود را بیان و اثبات نموده است که متأسفانه پس از به کتابت درآوردن آن ها در حمله غزنویان از میان رفت و مسائل بسیاری در این زمینه مبهم باقی ماند. اما همان مقداری هم که بر جای مانده - با عنوان منطق المشرقیین - به اضافه سخنانی از وی در مقدمه شفاء، سه نمط آخر اشارات، سه رساله تمثیلی حی بن یقظان و رساله الطیر و سلامان و ابسال و نیز رساله فی العشق، حکایت گر همان نوع دیگر تفکرات وی می باشند که در عین حال با ادبیاتی بسیار غنی به رشته تحریر درآمده است. پذیرش این افکار عرفانی خلسی در نوع نگرش و بیانات

فلسفی بوعلی سینا وارد نمی‌کند زیرا با مهارت هرچه تمام‌تر این مطالب را هم در لابلای متون فلسفی خویش ذکر کرده و هم کاملاً جدا از آن‌ها.

«ابن سینا با تمام احترامی که برای فلسفه یونانی قائل بود همواره می‌کوشید که افکار فلسفی خویش را با اصول وحی مطابقت دهد، بنابراین تا حدی که برایش ممکن بود سعی کرد فلسفه یونانی را (که به عقیده او از مشکلات نبوت بهره مند بود) به دین اسلام نزدیک گرداند. و این تلاش موجب شد که کاملترین بیان فلسفه مشائی در عالم اسلام، فلسفه ابن سینا باشد.» (توماس، ۱۳۶۲، ص ۱۰)

این مبحث که محل اختلافات بسیاری در فلسفه ابن سینا بوده است، غالباً به آن بخش از تفکرات ابن سینا اطلاق می‌شود که در اواخر عمر وی به رشته تحریر درآمده و به تعبیر او فلسفه خواص می‌باشد و در مقابل آن فلسفه عوام قرار دارد که همان فلسفه مشائی است. اما نمی‌توان به درستی دانست که فلسفه خواص چیست چرا که کتاب «الحکمت المشرقیه»ی وی که حاوی این مطلب بوده امروز در دست نیست.

آن چه موجب بحث و مناظرات فراوان در میان محققان گشته، معنای «حکمت مشرقیه»ی ابن سیناست، زیرا به دو صورت «مشرقیه» و «مشرقیه» قابل تلفظ است و در نتیجه مشخص نمی‌شود که منظور او حکمت مشرقی است و یا حکمت اشراقی. چرا که معنای این لغت تأثیر بسزایی در رسائل تمثیلی ابن سینا و سهروردی دارد چون شرق حاکی از عالم انوار و مجردات است و غرب، جهان ماده و تاریکی محض. به هر حال این اختلافات میان محققان شرقی و غربی ادامه یافت تا این که مقاله نالینو^۱ در این زمینه انتشار یافت و بر اساس آن اکثر غربی ها معنای مشرقیه را قابل قبول و حصول حکمت اشراقی را محال دانستند، در حالی که از این امر غافل بوده اند که در زبان عربی ریشه شرق هم به نور و تابش برمی‌گردد و هم به خاور و محل برآمدن خورشید، و همین جهت خاور یا مشرق منشأ این معنای دوگانه گردیده است.

به هر صورت منظور ابن سینا از مشرق دو معنا می‌شود: یکی معنای حقیقی و مادی - یعنی یک منطقه جغرافیایی خاص - و دیگری معنای غیر حقیقی. «عده ای مانند نالینو و عبدالرحمان بدوی

^۱ نام مقاله نالینو: «فلسفه شرقی یا اشراقی بو علی سینا؟»: